

تأملی در اصالت عبارت «جاهدت الحسین» در متن زیارت عاشورا

رضا مهدیان فر^۱

چکیده

زیارت رمز جاودانگی فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و تجدید میثاق پیروان معصومان با آنان است. «زیارتنامه‌های مأثور» (متنی که از سوی ائمه علیهم السلام به منظور زیارت ایشان صادر شده است) آموزش‌دهنده چگونگی برقراری ارتباط و ابراز ارادت، وفا و مودت زائر به ایشان هستند. زیارت عاشورا از قدیمی‌ترین و معتبرترین زیارت‌نامه‌هاست که گنجینه‌ای از تعالیم عمیق معرفتی را آموزش می‌دهد. نسخه رایج این زیارت، که در دسترس عموم شیعیان است و همواره قرائت می‌شود، دارای عبارت «اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعَصَابَةِ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ» است که با مبانی دینی - مفهوم جهاد - ناسازگار است. در این پژوهش با روش تحلیل متن، نسخه‌های مختلف این زیارت با یکدیگر مقایسه، و نسخه کامل *الزیارات* «اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعَصَابَةَ الَّتِي حَارَبَتِ الْحُسَيْنَ» با معیارها و شواهدی مانند قدمت، اعتبار منبع، سازگاری با بقیه متن، عرضه بر قرآن، شواهد ادبی و اصطلاحی بر عبارت نسخه *مصباح‌المتهجد* ترجیح داده شده است. **کلیدواژه‌ها:** زیارت عاشورا، جاهدت الحسین، حاربت الحسین، کامل الزیارات، مصباح‌المتهجد.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ایران، قم

زیارت از ماده «ز، و، ر» مشتق شده، و به معنای میل و توجه به چیزی و عدول کردن از غیر آن چیز است. (مصطفوی، ۱۳۳۰ق، ج ۴، ص ۳۶۴) برخی دیگر از زبان شناسان قید دیگری نیز اضافه کرده اند و گفته اند: «زیارت در عرف، یعنی قصد نمودن شخص مزور (زیارت شده) مشروط بر اینکه به عنوان اکرام و احترام او باشد؛ به گونه ای که موجب انس گرفتن با او باشد». (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۶۰) بنابراین حقیقت زیارت اهل بیت علیهم السلام عبارت است از حرکت به سمت ولی خدا و توجه به او، به گونه ای که انسان از غیر، جدا شود و به سمت معصوم کوچ کند و این موضوع از بالاترین مصادیق هجرت الی الله است. (ر.ک: ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۱۳) زیارت عامل ارتباط و وابستگی انسان به اهل بیت علیهم السلام است و منشا خیرات و برکات و نزول فیض و اجر و ثواب است. راز تأکید فراوان بر زیارت از سوی معصومان را باید در کارکردهای زیارت جستجو کرد. زیارات ماثور افزون بر اجر و ثواب، منبع بسیار مهمی برای دریافت آموزه‌ها و مبانی دینی به شمار می‌آیند که معصومان علیهم السلام در قالب متن ویژه به پیروان خود آموزش داده‌اند.

برای زیارت کارکردهای گوناگونی بیان کرده‌اند؛ از جمله این کارکردها، کارکرد سیاسی است. برای شیعیان زیارت بیش از هر چیز کارکردی سیاسی داشته است. در دعایی از امام صادق علیه السلام، زیارت قبر امام حسین علیه السلام گونه ای از یاری اهل بیت علیهم السلام و ضربه زدن به دشمنان ایشان به شمار رفته است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸۲) «بی تردید حضور و اجتماع عمومی در کنار قبر امام حسین علیه السلام، بازتابی سیاسی نیز در حمایت از جریان فکری اهل بیت علیهم السلام داشته و به سبب همین پیام روشنش توصیه می شده است». (خانی، ۱۳۹۴ش) همچنین هدف از زیارت، مظلوم‌یابی و شناخت ستمگران و در حقیقت آمادگی برای

مبارزه با ظلم ستمگران است. از این رو سزاوار است متن زیارات به ویژه زیارات مأثور با دقت بیشتر بررسی و به اصالت آن اطمینان حاصل شود؛ زیرا اشاره شد که متن زیارات صرفاً برای اجر و پاداش نیست، بلکه منبعی برای آموزش مبانی و معارف دینی است. از جمله زیارت‌های مأثور که همواره معصومان علیهم‌السلام بر آن تأکید کرده‌اند، زیارت عاشورا است.

بررسی اصالت متن زیارت عاشورا و انتساب آن به معصوم، به دلیل شهرت این زیارت شریف و انس فراوان مؤمنان با آن، بسی ضروری است. از جمله عباراتی که در این زیارت قابل بررسی است عبارت «اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوَّلَ ظَالِمٍ... اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ» است؛ زیرا که طبق باور مسلمانان، جهاد، کاری مقدس و ارزشمند است که برای مبارزه با دشمنان دین به کار می‌رود نه جنگ با امام معصوم علیه‌السلام. این در حالی است که ابن قولویه در کامل الزیارات این فراز از زیارت را با تعبیر «حاربت الحسین» نقل می‌کند که با اعتقادات مسلمانان ناسازگار نیست. این پژوهش به دنبال بررسی اصالت متن زیارت عاشورا و بیان ادله و شواهد ترجیح متن کامل الزیارات بر متن مصباح المتعجد است. در این پژوهش با شیوه کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ادله و شواهد تحقیق پرداخته شده است.

اثر مستقلی که در قالب مقاله، کتاب یا پایان‌نامه به این موضوع پردازد یافت نشد. در کتاب نگاهی به دریا - مصاحبه با استاد بزرگوار آیت الله سیداحمد موسوی مددی، که نوشته کوتاهی درباره زیارت عاشورا است، به این فراز هم اشاره شده است. اصل این نوشته با عنوان حول زیارة عاشوراء در مجله رساله الحسین علیه‌السلام (شماره ۲، سال اول، محرم - ربیع‌الاول ۱۴۱۲ق) به چاپ رسیده است. استاد در ضمن این نوشتار، عبارت «اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ علیه‌السلام...» را به دلیل مفهوم «جهاد» خالی از مناقشه ندانسته است؛ لیکن به همین مقدار بسنده کرده است. همچنین آقای ایزدی و ملکی معاف در مقاله علمی-پژوهشی «تحلیل و نقد یکی از فقرات نسخه رایج زیارت عاشورا» به

بررسی اصالت متن زیارت عاشورا در خصوص «اللهم العن... خامسا» پرداخته‌اند و نسخه کامل الزیارات که فاقد عبارت شمارشی لعن است را ترجیح داده‌اند. افزون بر این در پژوهش‌های مربوط به زیارت عاشورا می‌توان به بررسی سند زیارت عاشورا از آقای قربانی مقدم و وجوه تضعیف و تصحیح اسناد زیارت عاشورا از آقای محمدحسن محمدی مظفر و سایر مقالات و کتب مرتبط با زیارت عاشورا اشاره کرد. در این پژوهش‌ها بیشتر به بررسی سندی و اصالت متن زیارت عاشورا اشاره شده است. بنابراین، پژوهش حاضر برای نخستین بار به این موضوع به تفصیل پرداخته است.

سند زیارت عاشورا

این زیارت شریف در دو منبع از منابع اساسی شیعه وارد شده است که در ذیل به سند هر دو اشاره می‌کنیم:

۱. کامل الزیارات

کتاب کامل الزیارات نوشته فقیه و محدث بزرگوار ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (م ۳۶۷ق) است. نجاشی رحمته الله درباره وی می‌نویسد:

ابوالقاسم از افراد ثقه شیعه و از بزرگان آنان در حدیث و فقه است... هر چه دیگران به صفات زیبا و ثقه بودن و فقیه بودن توصیف شوند، ایشان فوق این صفات است». (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۲۳)

ایشان در باب ۷۱ کتاب، زیارت عاشورا را به دو سند نقل کرده است:

- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ وَ عَيْرَةُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى الْهَمْدَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطَّيَالِبِيِّ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ وَ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ جَمِيعاً عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدِ الْحَضْرَمِيِّ؛

- وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مَالِكِ الْجُهَنِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عليه السلام

(ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۱۷۴).

۲. مصباح المتبجد

کتاب مصباح المتبجد نوشته شیخ طائفه و امام الطائفه در حدیث، فقه، تفسیر، کلام و رجال، ابی جعفر محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ق) است. نجاشی درباره شیخ طوسی فرموده است: «ابو جعفر شیخ طوسی در میان علمای شیعه بسیار بزرگوار و تقه و امین است». (نجاشی، ۱۳۵۶ش، ص ۴۰۳) ایشان هم به دو سند این زیارت را نقل کرده است:

- رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام.

(طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۷۲)

- قَالَ صَالِحُ بْنُ عُقْبَةَ وَ سَيْفُ بْنُ عَمِيْرَةَ قَالَ عَلَقَمَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْخَضْرَمِيُّ قُلْتُ لِأَبِي

جَعْفَرٍ عليه السلام عَلِمَنِي دُعَاءَ أَدْعُو بِهِ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِذَا أَنَا زُرْتُهُ مِنْ قُرْبٍ. (طوسی، ۱۴۱۱ق،

ج ۲، ص ۷۷۳)

بررسی سند

شهرت فراوان زیارت عاشورا نزد عوام و خواص و آثار شگفت‌انگیز آن در رفع بلاها و مشکلات و گشایش در امور به اندازه‌ای است که ما را از بررسی سندی آن بی‌نیاز می‌کند. اما به رغم این، در کتاب‌ها و مقالات مستقلی سند زیارت عاشورا به تفصیل بررسی شده، و اصالت آن به اثبات رسیده است. (ر.ک: شبیری زنجانی، ۱۳۸۶ش؛ مددی، ۱۳۹۳ش، ص ۴۵۶؛ قربانی مقدم، ۱۳۹۵ش، ص ۷۷-۱۰۰؛ رضایی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۵۳-۱۸۸؛ تبریزی، ۱۳۸۹ش؛ و...) نتیجه بررسی‌های دانشمندان و پژوهشگران یاد شده به اتفاق، صحت سند زیارت عاشورا و صدور آن از معصوم است. بنابراین بررسی سندی در این پژوهش جز تکرار تحقیقات پیشین نیست و ضرورتی ندارد.

نسخه‌های زیارت عاشورا

کهن‌ترین منابعی که زیارت عاشورا را نقل کرده‌اند کتاب‌های کامل الزیارات

و مصباح المتعجد است. نسخه رایج این زیارت، که در مفاتیح الجنان در دسترس عموم است، حاوی عبارتی است که با مفهوم جهاد در معارف اسلامی ناسازگار است. از نظر ترتیب زمانی با دو نگارش متفاوت از زیارت عاشورا روبه‌رو هستیم:

۱. نگارشی که ابن قولویه با سندی متصل نقل کرده، و در مصادر زیر آمده است:

(الف) کامل الزیارات، ص ۱۷۷، باب ۷۱، مؤلف: ابن قولویه قمی (م ۳۶۷ق).

(ب) بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۹۲، باب ۲۴، مؤلف: علامه محمدباقر مجلسی

(م ۱۱۱۱ق).

(ج) شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، ج ۱، ص ۴۴، مؤلف: میرزا

ابوالفضل تهرانی (قرن ۱۳ق).

این نگارش - به رغم اعتبار و قدمت - در جامعه شیعی کمتر به آن توجه شده است. میان کتاب‌های دعایی معاصر نیز تنها منتخب الادعیة که زیر نظر علامه سیدمرتضی عسکری تدوین شده است از این نگارش استفاده کرده است.

(نک: ایزدی، ملکی معاف، ۱۳۹۲ش، ص ۱۵۹)

۲. نگارش رایج که شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در مصباح المتعجد با سندی

تلخیص شده نقل کرده است. این نگارش در مصادر زیر نقل شده است:

(الف) مصباح المتعجد، ج ۲، ص ۷۷۶، مؤلف: شیخ طوسی (م ۴۶۰ق).

(ب) ذخیره الآخرة، ص ۹۹، مؤلف: علی بن محمد بن علی سبزواری (قرن

ششم).

(ج) المزار الكبير، ص ۴۸۴، مؤلف: محمد بن المشهدی (م ۶۱۰ق).

(د) نزهة الزاهد، ص ۳۴۷، مؤلف: ناشناخته (قرن ششم یا نیمه اول قرن

هفتم).

(ه) مصباح الزائر، ص ۱۴۷، مؤلف: رضی‌الدین علی بن طاووس (م ۶۶۴ق).

و) المزار، ص ۱۸۳، مؤلف: شهید اول (م ۷۸۶ق).
 ز) البلد الامین، ص ۲۷۱، مؤلف: ابراهیم بن علی کفعمی (م حدود ۹۰۰ق).
 ح) المصباح، ص ۴۸۴، مؤلف: کفعمی (شماره ۷).
 ط) جنة الأمان، ج ۱، ص ۴۸۵، مؤلف: کفعمی (شماره ۷).
 ی) بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۹۶، مؤلف: علامه محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۱ق).

ک) زاد المعاد، ص ۳۷۵، مؤلف: علامه مجلسی (شماره ۱۰).
 ل) شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، ج ۱، ص ۳۱، مؤلف: میرزا ابوالفضل طهرانی (م. قرن ۱۳ق).

همچنین عموم کتاب‌های دعا و زیارات در عصر حاضر از جمله مفاتیح الجنان همین نگارش را نقل کرده‌اند (نک: ایزدی، ملکی معاف، ۱۳۹۲ش، ص ۱۵۹). چنان‌که مشاهده می‌شود بیشتر نویسندگان کتاب‌های ادعیه و حدیث از نسخه مصباح‌المتجهجد استفاده کرده‌اند و نسخه کامل‌الزیارات در حال حاضر مهجور واقع شده است.

اختلاف متنی در عبارت: «اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعَصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ (حَارَبَتِ) الْحُسَيْنَ»

بر خلاف صحت و اصالت سندی زیارت عاشورا، متن آن در دو مصدر کامل‌الزیارات و مصباح‌المتجهجد اختلاف اندکی با هم دارند. بررسی مطابقت تمام کلمات زیارت عاشورا از حوصله این نوشتار خارج است و تنها به فراز «اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد... اللهم العن العصابة التي جاهدت (حاربت) الحسين...» می‌پردازیم که از موارد اختلاف دو مصدر قدیمی زیارت عاشورا است.

متن کامل‌الزیارات

اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [آلِ مُحَمَّدٍ حُقُوقَهُمْ] وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ

عَلَى ذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي حَارَبَتْ [جَاهَدَتْ] الْحُسَيْنَ وَ شَايَعَتْ وَ بَايَعَتْ
[تَابَعَتْ] أَغْدَاءَهُ عَلَى قَتْلِهِ وَ قَتْلِ أَنْصَارِهِ اللَّهُمَّ الْعَنُهُمْ جَمِيعًا. (ابن قولويه، ۱۳۵۶ش،
ص ۱۷۸)

متن مصباح المتهجد

اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَنِ
الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتْ الْحُسَيْنَ وَ شَايَعَتْ وَ بَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنُهُمْ
جَمِيعًا. (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۷۶)

مقایسه دو متن

چنان که مشاهده می شود در کامل الزیارات با عبارت «حاربت» (جنگ کردند) و در متن مصباح با تعبیر «جاهدت» (جهاد کردند) آمده است. عبارت مصباح المتهجد (جاهدت الحسین...) قابل مناقشه است؛ زیرا لفظ «جهاد» در جنگ کردن با دشمنان به منظور اعتلای کلمه الله به کار می رود و سزاوار نیست جنگ کردن با امام معصوم علیه السلام جهاد نامیده شود. (مددی، ۱۳۹۳ش، ص ۴۵۸) ممکن است منشأ اختلاف متن دو منبع، اختلاف در مصدری باشد که هر کدام از اینها به آن مراجعه و متن زیارت را اخذ کرده اند. (مددی، ۱۳۹۳ش، ص ۴۶۰) اما نسخه رایج زیارت عاشورا، که در مفاتیح الجنان آمده است، از مصباح المتهجد شیخ طوسی که مشتمل بر عبارت «جاهدت الحسین» است، نقل شده است. عموم کتب ادعیه و زیارات در عصر حاضر همان نگارش شیخ طوسی را نقل کرده اند که برخی به این نقل تصریح کرده اند و بعضی منبع خود را ذکر نکرده اند که جز کتاب مصباح المتهجد نمی تواند باشد؛ زیرا قدیم تر از مصباح المتهجد منبعی در دست نیست که این متن را نقل کرده باشد. (تهرانی، ۱۳۷۶ش، ص ۵۵) نگارش متن مصباح، در گذشته و حال متداول تر و مشهورتر بوده است؛ اما نگارش متن کامل الزیارات اگرچه در گذشته برخی از عالمان

بزرگ به آن توجه می‌کردند ولی در حال حاضر تقریباً مهجور است. بعضی در بیان علل مهجور ماندن نگارش کامل الزیارات و شهرت یافتن نگارش شیخ طوسی نوشته‌اند:

مصباح‌المتهجد به دلیل تنوع و جامعیت موضوعی و تبویب نیکو و نیز شهرت و جلالت شأن شیخ طوسی، مورد اقبال بیشتری قرار گرفته است. از این رو نسخه زیارت عاشورا که در این کتاب نقل شده است شهرت بیشتری یافته است. در عصر ما نیز رواج آثار کفعمی و سپس زاد المعاد علامه مجلسی و آنگاه مفاتیح الجنان - که همگی نسخه مصباح‌المتهجد را آورده‌اند - در فراموش شدن نسخه منقول در کامل‌الزیارات مؤثر بوده است. (ایزدی، ملکی معاف، ۱۳۹۲، ص ۴)

با وجود این سزاوار است اصالت متن زیارت نسبت به این فراز «اللهم العن العصابة التي حاربت (جاهدت) الحسين...» مشخص شود؛ زیرا که «جاهدت» با مبانی اعتقادی ما مسلمانان سازگار نیست. بنابراین باید ادله و شواهد ترجیح متن کامل‌الزیارات بر مصباح‌المتهجد بررسی شود.

ادله و شواهد ترجیح «حاربت الحسين»

در مقایسه میان دو تعبیر «جاهدت» و «حاربت» و ترجیح «حاربت» بر «جاهدت» می‌توان از معیارها و شواهد زیر بهره برد:

۱. معیار قدمت

در علم‌سنجی، که روشی برای ارزیابی فعالیت‌های علمی است، از شاخص‌های متعددی برای اندازه‌گیری تولید علم و سنجش استفاده می‌شود. شاخص‌های متداول علم‌سنجی از محاسبه و شمارش چهار متغیر اصلی مؤلف، انتشار، ارجاع و استناد گرفته شده است. استناد، معتبرترین و رایج‌ترین شاخص علم‌سنجی است. (عصاره و دیگران، ۱۳۸۸ش، فصل اول). اعتبارسنجی منابع حدیثی نیز دانشی همسان با علم‌سنجی است که اعتبار مصادر

حدیثی را ارزیابی می‌کند. دانش «اعتبارسنجی منابع حدیثی» از معیارهایی مانند قدمت کتاب، نویسنده و ویژگی‌های علمی نویسنده، حوزه حدیثی کتاب یا اساتیدی که این روایات از آنها نقل شده است، حوزه معرفتی که کتاب در آن حوزه نوشته شده است، هدف از نگارش کتاب و همین‌طور مقبولیت کتاب در نزد عالمان استفاده می‌کند؛ مثلاً اگر کتاب حدیثی در دوران کهن نوشته شده باشد اعتماد به آن بیشتر است و اگر نویسنده شاخص و قابل‌داشته باشد اعتبار آن فزون‌تر می‌شود. (خبرگزاری ایکن، ۱۳۹۳/۳/۱۱)

برای اعتبارسنجی نسخه‌ها می‌توان از زاویه زمان کتابت کتاب نیز به موضوع نگریست؛ مثلاً می‌توان احادیث کتابی که راوی، آن را در حضور امام کتابت کرده معتبرتر از احادیث کتابی دانست که آن را شاگردان از شیخ خود سماع کرده‌اند. زمان کتابت احادیث نیز می‌تواند در صحت متن، دقت در نقل حدیث، ارزش تاریخی و همچنین در نسخه‌شناسی مؤثر باشد. از این‌رو بررسی کتاب‌ها و نسخه‌های حدیثی از جهت زمان کتابت از اهمیت بسیاری برخوردار است. (نک: مددی، ۱۳۹۳ش، ص ۳۹۷).

«روشن است نسخه کهن‌تر معتبرتر است». (ایزدی، ملکی معاف، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲) از آنجا که مرحوم ابن قولویه متوفای ۳۶۷ قمری است، به لحاظ زمانی نسبت به شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) به عصر ائمه نزدیک‌تر است. بنابراین کامل‌الزیارات (تألیف قبل از ۳۶۹ق) نسبت به مصباح‌المتجهد اقدم و از اعتبار بیشتری برخوردار است.

۲. معیار اعتبار منبع

محدثان و فقیهان از شیوه‌های مختلفی برای اعتبارسنجی روایات استفاده می‌کنند. تحلیل فهرستی از گونه‌های اعتبارسنجی روایات نزد محدثان است که تناسب زیادی با شیوه نقل احادیث نزد شیعه دارد؛ زیرا انتقال میراث حدیثی میان شیعه به شیوه کتابت بوده است. از این‌رو اعتبار کتاب حدیثی از جمله شاخص‌های اعتبار حدیث میان قدمای محدثین شیعه بوده است. (نک: مددی،

۱۳۹۳ش، ص ۳۶۱؛ عمادی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۴؛ نجاشی، ۱۳۹۴ش، ج ۱، ص ۱۰؛
راشدی، ۱۳۹۵ش، ص ۷) شیخ صدوق می‌گوید: «اسانید روایات را به جهت
اختصار حذف کرده‌ام؛ زیرا آنچه در این کتاب آورده‌ام در کتب مشهور فقهای
مورد وثوق آمده است». (نک: صدوق، بی‌تا، ج ۱، ص ۳؛ همو، ۱۴۱۵ق، ص ۳)
محقق مجلسی در این باره می‌نویسد:

ظاهر قدا این است که مطالبشان را از کتب معتبره مشهوره نقل می‌کرده‌اند،
پس هنگامی که صاحب کتاب ثقه باشد، خبر صحیح است و نیازی به بررسی
سندی نیست؛ زیرا نقل سند به کتب مشهور تنها برای تیمن و تبرک است.

(مجلسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳)

مشهورترین اثر ابن قولویه کتاب *زیارات* اوست که از آن با نام‌های «کامل
الزیارات»، «کامل *الزیارة*»، «جامع *الزیارات*» و «المزار» یاد می‌شود. وی تصریح
کرده است که در این کتاب تنها آنچه از طریق روایان ثقه از معصومین علیهم‌السلام نقل
شده را آورده است. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۴) روایات این کتاب دارای سند
کامل و گاه به چند سند نقل شده است. از این رو *کامل الزیارات* نزد محدثان و
عالمان شیعه ارزش والایی دارد. علامه مجلسی آن را از اصول معتبر و مشهور
میان فقیهان شیعه دانسته است که شیخ طوسی رحمته‌الله در تهذیب و سایر محدثین از
آن استفاده کرده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۷) اعتبار این کتاب تا جایی
است که برخی از دانشمندان حدیث و رجال، صرف وجود نام راوی در اسانید
این کتاب را سبب توثیق وی دانسته‌اند. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۳۰، ص ۲۰۲؛
خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۰؛ داوری، ۱۴۱۶ق، ص ۱۸۵) این بدان جهت است
که ابن قولویه تصریح کرده که روایات آن را تنها از طریق ثقات شیعه نقل کرده
و روایتی از رجال شاذ و ناشناخته نیاورده است. (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۳۷) اما
شیخ طوسی در *مصباح‌المتهجد* به دنبال گردآوری مجموعه‌ای از دعاها و
اعمال مستحبی برای ایام سال در کنار خلاصه‌ای از احکام فقهی عبادات است.
(طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۴) شیخ طوسی در بیشتر موارد از ذکر سند کامل
خودداری می‌کند.

بعید نیست شیخ طوسی در مصباح المتعجد از همان شیوه معمول علما (آسان‌گیری در ادله سنن و مستحبات) استفاده کرده باشد؛ اما این احتمال درباره کامل الزیارات ضعیف یا متفی است؛ زیرا ابن قولویه در مقدمه کتابش، صریحاً خود را ملتزم به پرهیز از تسامح کرده است. بنابراین می‌توان احتمال داد که هرگاه بین زیارت‌های مشترک بین کامل الزیارات و مصباح المتعجد اختلاف نسخه وجود داشته باشد، متن و سندی که ابن قولویه برگزیده و نقل کرده از دقت بیشتری برخوردار است؛ مگر آن که شواهد دیگری برخلاف آن موجود باشد. (ایزدی، ملکی معاف، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴) بنابراین مصدري که ابن قولویه برای نقل زیارت عاشورا برگزیده است؛ با توجه به دلایل پیش‌گفته و سخت‌گیری و دقت ابن قولویه از اتقان بیشتری برخوردار است. در این صورت عبارت «حاربت» در متن منقول در کامل الزیارات رجحان دارد.

۳. شواهد ادبی و معنایی (اصطلاح فقهی)

از نظر لغوی واژه «جهاد» از ریشه «جهد و جهد» و به معنای «کوشیدن، طاقت و مشقت» است. نیز گفته شده «جهد» به معنای کوشش و مشقت و «جهد» به معنای طاقت و نیرو است. بیشتر لغت‌شناسان «جهاد» را به معنای به کار بستن تمام توان و نیرو آورده‌اند. (نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۳۳؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۴۶۰؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۲۲) «جهاد محاربه با دشمنان است که به معنای به کار بردن نهایت توان و تلاش قولی و عملی است». (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۳۳)

«ریشه سه حرفی «ج ه د» در کاربرد ثلاثی مجرد، یک واژه روزمره در زبان عربی است. تحلیل لغوی این واژه در گفتمان اسلامی، به ویژه از منظر آیات قرآن کریم، دلالت بر ظرایف معنایی مهمی دارد، مهم‌ترین ملاحظات لغت‌شناسانه جهاد عبارتند از:

۱. در جهاد عنصر «وُسع» و «طاقت» ملاک است. به همین خاطر است که در «لسان العرب»، جهاد با «به کار بستن تمام توان» شناسانده شده است. (ابن منظور، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۳۳) در این معنا ریشه آن «جُهد» است.
۲. در جهاد عنصر «مشقت» و «سختی» نهفته است. چنان‌که در شرح قسطلانی بر صحیح بخاری آمده است: «جهاد می‌تواند مشتق از «جَهَد» باشد که به معنای «سختی» است». (ذوقی، ۱۳۸۸، ص ۱۸)
۳. در جهاد عنصر «آگاهی» وجود دارد؛ بدین معنا که بنیاد «جهاد» را معرفت شکل می‌دهد و معنای حقیقی آن در حوزه معرفت و خودسازی محقق می‌شود. (جانی‌پور، ستوده‌نیا، ۱۳۹۲ش، ص ۷۷)
- اما در تعریف عالمان دینی، به‌ویژه فقیهان، جهاد تنها محدود به جنگ در راه خداوند است (کرکی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۶۵؛ سمرقندی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۹۳؛ کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۹۷؛ نووی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۹۴) و دیگر گونه‌های جهاد - مانند جهاد با نفس - جایگاهی فقهی ندارد، اما نزد برخی دیگر از عالمان، معنای جهاد با توسعه بیشتری مطرح شده و در بر دارنده هر نوع بذل جان یا مال در راه اعتلای کلمه اسلام و اقامه شعائر ایمان دانسته شده است. (صاحب جواهر، ۱۳۹۴ق، ج ۳، ص ۲۱؛ ابن قدامه، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۸۵)
- در کاربرد اصطلاحی صورت دیگری از مصدر «مجاهده» در باب مفاعله به کار رفته است که به خوبی نشان از یک رابطه دو طرفه دارد. در کاربرد اصطلاحی، جهاد در تمام مواردی که به کار رفته، همواره افزون بر معنای کوشش، به سبب باب مفاعله بودن، دربردارنده رویارویی با یک طرف مقابل نیز بوده است. (پاکتچی، ۱۳۸۰، ص ۴)
- محل قرار گرفتن مبحث جهاد در کتاب‌های فقهی و حدیثی نیز خود نشان‌دهنده ژرفای جایگاهی است که عالمان جهان اسلام برای جهاد قائل بوده‌اند. در بسیاری از این کتاب‌ها، مبحث جهاد به عنوان یکی از عبادات و

فرايض، در ردیف عباداتی چون نماز و روزه و حج قرار گرفته است، (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲؛ ابن رشد، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۳۸۰؛ محقق حلی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۳۰۷) این در حالی است که برخی از فقیهان اهل سنت، جهاد را در مباحث احکام و سیاست، در کنار موضوعاتی چون حدود و قصاص آورده‌اند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۵۱۷) و گاه نیز مباحث جهاد در مبحثی ذیل عنوان «کتاب السیر» جای یافته است. (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۹۷)

جهاد یکی از فروع دین و از واجبات اسلامی است که در تمامی ادیان الهی از جایگاه والایی برخوردار است؛ چراکه جهاد و مبارزه با ستمگران، طاغوتیان و دنیاپرستان در رأس برنامه همه پیامبران الهی بوده است. (نک: بقره: ۲۴۶-۲۵۲ و ۲۴-۲۰؛ آل عمران: ۱۴۶؛ توبه: ۱۱۱؛ اشرفی و حسینی، ۱۳۹۶ش؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۳ش) بنابراین جهاد در اصطلاح دینی دارای عناصر زیر است:

الف) اقدامی است همراه با تلاش، کوشش و تحمل سختی.

ب) این اقدام برای مقابله با دشمن و دفع هجوم‌های گوناگون او می‌باشد.

ج) «فی سبیل الله» باشد؛ یعنی این کوشش و مقابله باید به قصد امتثال امر و کسب رضای خدا باشد؛ وگرنه اطلاق واژه جهاد بر آن صحیح نخواهد بود.

۴. سازگاری عبارت «حاربت» با بقیه متن زیارت

تولاً و تبراً از مهم‌ترین مفاهیمی هستند که در متن زیارت عاشورا تجلی یافته‌اند. این متن با سلام به اباعبدالله علیه السلام و لعن دشمنان آنان آغاز می‌شود. تبری از دشمنان را در فضای محاربه و قتل امام و یارانش طرح می‌کند «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُهَدِّينَ لَهُمْ بِالْتَّمُكِينَ مِنْ قِتَالِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَالسَّيِّئِ مِنْهُمْ، وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتِّبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ». سپس با عبارت «يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سَلَمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمُ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» ادامه می‌دهد و دو بار این تعبیر در متن زیارت تکرار می‌شود؛ چنان‌که تعبیری چون «حرب»، «قتل» و مشتقات آنها هشت بار

تکرار شده است. بنابراین فضای متن زیارت به جنگ و مبارزه دو گروه حق و باطل در روز عاشورا و سپس مسئله انتظار و امید قیام شخصی از اهل بیت محمد ﷺ برای طلب انتقام و مقابله با دشمنان اهل بیت ﷺ؛ دشمنانی که اهل بیت را از «مراتب» ایشان باز داشته‌اند - اشاره دارد: «وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ». چنین فضایی در متن زیارت تعبیر به «حاربت» که اشاره به جنگ گروه باطل با امام و یارانش دارد را تقویت می‌کند.

به روشن‌ترین بیان در همه جای زیارت عاشورا از رفتار دشمنان امام ﷺ با تعبیر «حرب» و «حاربت» یاد می‌کند و در هیچ قسمتی از زیارت، رفتار آنان را به جهاد تعبیر نکرده است. چنان‌که در متن زیارتی که از امام صادق ﷺ برای روز عاشورا روایت شده است همین معنای «حاربت» دیده می‌شود. امام صادق ﷺ پس از آنکه مقدماتی را برای زیارت امام حسین در عاشورا یادآوری می‌کنند، و به ویژه نماز خاصی را تعلیم می‌دهند، می‌فرمایند: «در همان مصلاهی خود توقف می‌کنی و هفتاد بار می‌گویی: اللَّهُمَّ عَذِّبِ الَّذِينَ حَارَبُوا رَسُولَكَ وَشَاقُوكَ، وَعَبَدُوا غَيْرَكَ...». (ابن طاوس، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۶۷)

بی‌شک جنایات دشمن در صحنه عاشورا محاربه بود و آنان محارب با خدا و رسول خدا ﷺ و سیدالشهدا ﷺ به شمار می‌آیند. از مجموع ادله و شواهد به دست می‌آید که عبارت «حاربت» با بقیه متن زیارت عاشورا سازگارتر است. از همین جا روشن می‌شود که توجیهاتی چون «جاهدت» و معنای لغوی جهاد قابل پذیرش نیستند.

۵. نفی احتمال «جاهدت»

برخی کوشیده‌اند به گونه دیگری از این اشکال پاسخ دهند. به دیگر سخن آنان ضمن پذیرش معنای قدسی جهاد، واژه «جاهدت» را تصحیف «جاحدت» دانسته‌اند. چنان‌که از مفهوم این سخن استفاده می‌شود تعبیر «جاهدت» در متن زیارت عاشورا از سوی آنان - که خود متخصص در فن حدیث و رجال بودند -

پذیرفته نیست. مرحوم شوشتری فراز زیارت عاشورا را «اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ» از جمله ادعیه تحریف شده می‌داند. زیرا «جاهدت»، تحریف شده «جاحدت» (انکار کردن) است؛ چراکه آنان امام را شناختند و انکار کردند. اما جهاد، نامی است برای مبارزه اهل حق با اهل باطل. چنان‌که خدای متعالی به رسول الله ﷺ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» (توبه: ۷۳). در کتاب «المعرب» هم - که یک معجم فقهی است - آمده است:

و (الجهاد) مصدر (جاهدت) العدو؛ إذا قابلته في تحمل الجهد، أو بذل كل منكما (جُهد)، أي طاقته في دفع صاحبه، ثم غلب في الإسلام على قتال الكفار ونحوه.

جهاد مصدر «جاهدت العدو» است؛ زمانی که در تحمل رنج و مشقت با دشمن مقابله می‌کنی، یا هر یک از شما در دفع طرف مقابلش تمام سعی خود را به کار می‌گیرد، سپس این واژه در اسلام برای جنگ با کفار و مانند آن غلبه پیدا کرده است. (شوشتری، ۱۳۹۰ ش، ج ۳، ص ۳۱۸؛ مطرزی، ۱۹۷۹ م، ج ۱، ص ۱۷۱)

در واقع با این توضیحات نتیجه می‌گیرد که عبارت «جاهدت» درست نیست و تعبیر به «جاحدت» اصالت دارد. در این صورت معنای عبارت، «انکار مقام امامت اباعبدالله ﷺ از سوی گروه باطل در صحنه عاشورا» است. اما از سویی چنین تعبیری در هیچ متنی از زیارت در مصادر زیارت عاشورا نقل نشده است. در نتیجه چنین توجیهی تصرف در متن زیارت مأثور است که جایز نیست. عبدالله ابن سنان می‌گوید: «قال ابو عبدالله سَتُصِيبُكُمْ شِبْهَةٌ» امام صادق ﷺ فرمود: به زودی برای شما شبهه‌هایی مطرح می‌شود، «فَتَبْقَوْنَ بِأَعْلَمٍ يَرَى وَلَا إِمَامٍ هُدَى» که دسترسی به رهبر و دانایی که شما را از شبهه بیرون بیاورد ندارید و سرگردان می‌شوید، «لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ»، نجات پیدا نمی‌کند از این شبهه مگر کسی که دعای غریق را بخواند. «قُلْتُ وَ كَيْفَ دُعَاءُ الْغَرِيقِ؟» از حضرت سؤال کردم که دعای غریق چگونه است؟ «قال: فيقول» حضرت به من فرمود: این‌طور بگو: «يا الله يا رحمان يا رحيم يا مقلب القلوب ثبت قلبي على دينك» حضرت به او می‌گوید، این را بگو که خدا دستت را می‌گیرد و نمی‌گذارد سرگردان شوی، راه

را بر تو باز می‌کند. «فَقُلْتُ» عبدالله بن سنان در همان مجلس می‌گوید: من آنجا دعا را تکرار کردم و گفتم: «يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»، همانجا خواستم دعا را بخوانم. «فَقَالَ» امام صادق عليه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ» در این شبهه‌ای نیست که خدا مقلب القلوب و الأبصار است، «وَلَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» ولی همان‌طور که گفتم تکرار کن. (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۵۲) و از سوی دیگر با سایر فرازهای متن زیارت هم سازگاری ندارد. بنابراین چنین توجیهی هیچ مبنای قابل قبولی ندارد و در روایات معصومان از چنین کاری نهی شده است. دقت و تأکید فراوان از سوی محدثان در نقل متون روایات، ادعیه و زیارات هم در همین راستا بوده است. چنان‌که در بعضی موارد با دقت زیاد به عبارات نسخه بدل هم اشاره کرده‌اند.

۶. عرضه بر قرآن

افزون بر معیارهایی که گفته شد می‌توان از معیار عرضه بر قرآن به عنوان مؤیدی بر نفی عبارت «جاهدت» و اصالت عبارت «حاربت» استفاده کرد. عرضه حدیث بر قرآن، که اصیل‌ترین معیار سنجش احادیث است، در منابع روایی بارها تأکید شده است. «پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام در روایات متعددی، قرآن را معیار و میزان سنجش اصالت و سلامت احادیث دانسته‌اند». (مکارم و همکاران، ۱۳۷۴ش، ج ۱۱، ص ۲۷) پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «... فَتَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ»؛ «آنچه موافق کتاب خداست را بگیرید و آنچه با کتاب خدا مخالف است را رها کنید». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۹)

کلمه جهاد و مشتقات آن حدود ۱۰۸ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است، که در غالب موارد به معنای کوشش و تلاش مقدس است؛ مثلاً خداوند متعال در فضیلت جهاد می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ﴾؛ (توبه: ۲۰)

آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد کردند، مقامشان نزد خدا برتر است و آنها پیروز و رستگارند. پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود و رضایت [خویش] و باغ‌هایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن نعمت‌های جاودانه دارند.

همچنین آیه شریفه ﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فِتْنَانَا ثَمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛ (نحل: ۱۱۰) از آمرزش و رحمت پروردگار نسبت به مجاهدان خبر می‌دهد.

قرآن کریم در جای دیگر مجاهدین در راه خدا را با ترک‌کنندگان جهاد یکسان ندانسته است و مجاهدان را بر غیر مجاهدان برتری داده، و می‌فرماید:

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا * دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا﴾؛ (نساء: ۹۵-۹۶).

آن گروه از مؤمنانی که بدون بیماری جسمی [و نقص مالی، و عذر دیگر، از رفتن به جهاد خودداری کردند و] در خانه نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با اموال و جان‌هایشان به جهاد برخاستند، یکسان نیستند. خدا کسانی را که با اموال و جان‌هایشان جهاد می‌کنند به مقام و مرتبه‌ای بزرگ‌تر بر خانه‌نشینان برتری بخشیده است. و هر یک [از این دو گروه] را [به خاطر ایمان و عمل صالحشان] وعده پاداش نیک داده، و جهادکنندگان را بر خانه‌نشینان [بی‌عذر] به پاداشی بزرگ برتری داده است. درجات والا و آمرزش و رحمت از ناحیه خود نصیب آنها می‌کند و اگر لغزش‌هایی داشته‌اند، خداوند آمرزنده و مهربان است. بر این اساس ماده «جهاد» و مشتقات آن در قرآن دارای مفهوم مقدس و تلاش در راه خدا و مبارزه با دشمنان وی به کار رفته است.

«جاهد» در کاربردهای قرآنی، هم در معنای لغوی (عنکبوت: ۸؛ لقمان: ۱۵) به کار رفته است و هم در معنای اصطلاحی. (انفال: ۷۲؛ نساء: ۹۵؛ تحریم: ۹ و...)

مفهوم لغوی «جاهد» در آیاتی که ذکر شد به معنای وادار کردن و اصرار و فشار آوردن زیاد است. (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۴۱۷) فضل الله می‌نویسد: «یعنی تلاش کنند با انواع فشارهای روحی و مادی تو را به خروج از ایمان به کفر وادار کنند». (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۲۱) اما مفهوم اصطلاحی به معنای کارزار با دشمن در راه خداست که با بذل مال و جان تحقق می‌یابد. (انفال: ۷۲). (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۶۲؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۵۵۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۵۱۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۳۲) بنابراین ماده «جاهد» در قرآن به معنای مقدس به کار رفته است، جز در دو مورد که مربوط به یک موضوع است و در معنای لغوی به کار رفته است. (عنکبوت: ۸؛ لقمان: ۱۵) نکته قابل توجه در این دو آیه نیز متعلق داشتن «جاهد» است: ﴿إِنَّ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي﴾ و ﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي﴾. بنابراین لازمه کاربرد معنای لغوی تعلق فعلی از افعال مجهود به فعل «جاهد» است. حال آنکه «جاهدت الحسین (علیه السلام)» در متن زیارت عاشورا بدون متعلق است و در آیات قرآن نیز در موارد دیگر یا با قید «فی سبیل الله» ذکر شده، یا به گونه مطلق و بدون متعلق آمده است که مقصود از جهاد در همه این آیات همان تلاش مقدس، یعنی جنگ در راه خداست.

برخی از پژوهشگران با استناد به آیات قرآن برای «جهاد» گونه‌های متعددی را برشمرده‌اند که همگی دارای مفهوم الهی و مقدس هستند؛ مانند: جهاد الهی، جهاد توحیدی، جهاد در راه خدا، جهاد مساعدتی، جهاد مقابله‌ای، جهاد کبیر. (نک: جانی‌پور، ستوده‌نیا، ۱۳۹۲ش، ص ۷۵-۹۲) با این توضیحات مقایسه موارد «جاهد» در قرآن و اصالت دادن به «جاهدت» بی معنا خواهد بود.

نتیجه‌گیری

صدور زیارت عاشورا از معصوم (علیه السلام) که دو نفر از راویان بزرگ امامیه نقل کرده‌اند، مورد وثوق است. این زیارت شریف دارای دو نگارش متفاوت است که در یکی از این نسخه‌ها فرازی از آن با عبارت «اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدْتِ

الحُسَيْنِ» و در نسخه دیگر «اللَّهُمَّ اَلْعَيْنِ اَلْعِصَابَةَ اَلَّتِي حَارَبَتِ اَلْحُسَيْنِ» آمده است. نگارش نخست در کامل الزیارات و نگارش دوم در مصباح المتهجد آمده است. نگارش اول اعتبار بیشتری دارد و نسبت به نگارش دوم رجحان دارد؛ زیرا اولاً این نگارش از قدمت بیشتری برخوردار است و اعتبار بیشتری دارد. ثانیاً کامل الزیارات از مشهورترین آثار ابن قولویه است که نزد محدثان و فقیهان از ارزش بالایی برخوردار است. نقل کامل سند در کامل الزیارات وجه تمایز و برتری آن نسبت به مصباح المتهجد است که در بیشتر موارد از آوردن کامل سند خودداری کرده است. ثالثاً عبارت «حَارَبَتِ اَلْحُسَيْنِ» در نگارش کامل الزیارات با بقیه متن سازگاری دارد. رابعاً «جَاهَدَت» در معنای اصطلاحی به کار رفته است که کاربرد آن را در معنای قدسی محدود می‌کند و به معنای مبارزه با اهل باطل در راه خدا است و به کارزار دشمنان امام معصوم علیه السلام با وی اطلاق نمی‌شود. چنان‌که معنای لغوی آنکه در بعضی آیات قرآن به کار رفته است نیاز به متعلق دارد و در متن زیارت عاشورا در هر دو نگارش بدون متعلق است. خامساً «جَاهَدَتِ اَلْحُسَيْنِ» با کاربست جهاد در آیات قرآن که آن را درباره مجاهدان در راه خدا به کار برده است تناسب ندارد.

همچنین توجیه تصحیف «جاهدت» به «جاحدت» هم هیچ دلیل قابل قبولی ندارد و تصرف در متن زیارت مأثوره به شمار می‌رود که از سوی معصومان علیهم السلام نهی شده است.

بنابراین عبارت «حَارَبَتِ اَلْحُسَيْنِ» که در نگارش کامل الزیارات آمده است نسبت به «جَاهَدَتِ اَلْحُسَيْنِ» که در مصباح المتهجد نقل شده است رجحان دارد.

منابع

۱. ابن رشد، محمد (۱۴۰۲ق). *بداية المجتهد*، بيروت، دارالعلم.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق). *الاقبال بالاعمال السنه (اقبال الاعمال)*، محقق: جواد قیومی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. ابن قدامه، عبدالله (بی تا). *المغنی*، بیروت، دارالکتب العربی.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش). *کامل الزیارات*، نجف اشرف، دارالمرتضویه.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۲۶ق). *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر للطباعة.
۶. اشرفی، ابوالفضل و حسینی، سیدعلی اکبر (۱۳۹۶ش). «بررسی و تحلیل محتوای جنگ، جهاد و پرورش نظامی در قرآن با تأکید بر مقایسه با ادیان الهی یهودیت، مسیحیت و زردشت»، *فصلنامه مدیریت نظامی*، شماره ۳، سال هفدهم، پاییز ۱۳۹۶، ص ۶۸-۱۰۲.
۷. ایزدی، مهدی و ملکی معاف، اسلام (۱۳۹۲). «تحلیل و نقد یکی از فقرات

- نسخه رایج زیارت عاشورا»، *فصلنامه کتاب قیم*، شماره هشتم، سال سوم، بهار و تابستان، ص ۱۵۷-۱۷۹.
۸. پاکتچی، احمد (۱۳۸۰ش). «جهاد» *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، انتشارات دائرة المعارف.
 ۹. تبریزی، جعفر (۱۳۸۹ش). *بررسی سند زیارت عاشورا*، قم، دارالصدیقه الشهیده.
 ۱۰. تهرانی، ابوالفضل (۱۳۷۶ش). *شفاء الصدور فی شرح زیارت العاشور*، تهران، انتشارات مرتضوی.
 ۱۱. جانی پور، محمد و ستوده نیا، محمدرضا (۱۳۹۲ش). «جهاد؛ مقوله‌ای فرهنگی- اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی»، *دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم*، شماره اول، سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۷۵-۹۲.
 ۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). *الصحاح*، بیروت، دارالعلم للملایین.
 ۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة (تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل*

- الشريعة)، قم، مؤسسة آل البيت.
۱۴. خانى، حامد (۱۳۹۴ش). مفهوم زیارت و جایگاه آن در فرهنگ اسلامى، سایت راسخون.
۱۵. خویى، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه، قم، مركز نشر الثقافه الإسلامیه.
۱۶. داوری، مسلم (۱۴۱۶ق). اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، محقق: محمدعلی معلم، قم، مؤلف.
۱۷. ذوالفقاری، زهرا (۱۳۹۳ش). بررسی تطبیقی جنگ و جهاد از دیدگاه قرآن و تورات، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اراک.
۱۸. ذوقی، امیر (۱۳۸۸ش). درآمدی تحلیلی بر جایگاه صلح و جنگ در قرآن و سیره نبوی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۹. راشدی، قاسم بن یحیی (۱۳۹۵ش)، آداب امیرالمؤمنین علیه السلام، تحقیق: مهدی خدامیان.
۲۰. راغب، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات، بیروت، دارالقلم.
۲۱. رضایی، محمدجعفر (۱۳۸۷ش). «پژوهشی در اسناد و نسخه های زیارت عاشورا»، علوم حدیث، شماره ۴-۳، دوره ۱۳، (۵۰-۴۹)، ۱۵۳-۱۸۸.
۲۲. سمرقندی، علاءالدین محمد (۱۴۱۴ق). تحفه الفقهاء، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۳. شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۳۸۶ش). «سخنی در باب اعتبار سندی زیارت عاشورا»، فصلنامه سفینه، شماره ۱۴، سال ۱۳۸۶ش، ص ۱۷۸-۱۸۲.
۲۴. شوشتری، محمدتقی (۱۳۹۰ش). الأخبار الدخیلة، تهران، مکتبه الصدوق.
۲۵. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
۲۶. _____ (۱۴۱۵ق). المقنع، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۲۷. _____ (بی تا). من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم.
۲۸. طوسی، محمد (۱۴۱۷ق). الخلاف، محمد مهدی نجف و دیگران، قم، انتشارات راه حق.
۲۹. _____ (۱۴۱۱ق). مصباح المتجهد، بیروت، مؤسسه فقه شیعه.
۳۰. عصاره، فریده و همکاران (۱۳۸۸). از کتاب سنجی تا وب سنجی: تحلیلی

بر مبانی، دیدگاه‌ها، قواعد و شاخص‌ها، تهران، کتابدار.

۳۱. عمادی، سیدمحمد (۱۳۸۸ش). بازسازی متون کهن حدیث شیعه، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۳۲. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر، قم، مؤسسه دارالهجره.

۳۳. قربانی‌مقدم، محمد (۱۳۹۵ش). «بررسی سندی زیارت عاشورا»، فصلنامه حدیث پژوهی، شماره ۱۵، سال هشتم، بهار و تابستان، ص ۷۷-۱۰۰.

۳۴. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۳۵. کاسانی، ابوبکر (۱۴۰۶ق). بدائع الصنائع، قاهره، دارالعلم.

۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، دارالکتب الاسلامیه.

۳۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لعلوم الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

۳۸. مجلسی، محمدتقی (بی تا). روضة المتقین، قم، کوشانپور، چاپ دوم.

۳۹. محقق حلی، جعفر (۱۳۸۹ق). شرائع الاسلام، عبدالحسین محمدعلی،

نجف، المكتبة العلمية.

۴۰. محقق کرکی، علی (۱۴۰۸ق). جامع المقاصد، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.

۴۱. مددی موسوی، سیداحمد (۱۳۹۳ش). نگاهی به دریا؛ قم: کتاب شناسی شیعه.

۴۲. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقيق فی کلمات القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۴۳. مطرزی، ناصر بن عبدالسید (۱۹۷۹م). المغرب فی ترتیب المغرب، مصحح: محمود فاخوری، عبدالحمید مختار، حلب، مكتبة اسامة بن زيد.

۴۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۴۵. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

۴۶. _____ (۱۳۹۴ش). رجال النجاشی، قم، بوستان کتاب.

۴۷. نجفی، محمد حسن (۱۳۹۴ق). جواهر الکلام، محمود قوچانی، تهران، سروش.

۴۸. نووی، یحیی (۱۴۱۷ق). المجموع، به کوشش محمود مطرحی، بیروت،

دارالعلم.

پایگاه‌های اینترنتی

۴۹. ایکن، مصاحبه با حجت‌الاسلام

طباطبایی (رئیس پژوهشکده علوم و

معارف حدیثی پژوهشگاه قرآن و

حدیث)، ۱۱/۳/۱۳۹۳.